



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۸ آبان ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۶ - فرع دوم: پوشش زن در برابر صبی ممیز - ادله عدم لزوم و بررسی آنها -
دلیل دوم - ادامه بررسی تعارض بین دو آیه و وجوه جمع بین آنها - حق در مسأله

مصادف با: ۲۳ ربیع الاول ۱۴۴۳

جلسه: ۱۸

سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در ادامه بررسی دلیل دوم یک اشکالی مطرح شد مبنی بر تعارض بین دو آیه ابداء زینت و استیذان؛ اشکال این بود که این دو آیه به حسب نظر بدوی با هم منافات دارند. براساس یکی از این دو آیه، پوشش زن در برابر صبی ممیز واجب است؛ براساس آیه دیگر (آیه استیذان) لازم نیست که زن خودش را در مقابل صبی ممیز بیوشاند. این تنافی ظاهری بین این دو آیه موجب شد که وجوهی برای جمع بین دو آیه ذکر شود. پنج وجه ذکر شد.

آخرین وجهی که ذکر کردیم، وجهی بود که استاد بزرگوار ما جناب آیت الله زنجانی در این مقام طرح کرده‌اند و آن اینکه موضوع این دو آیه متفاوت است. چون در آیه استیذان سخن از اطفال خود والدین است؛ می‌گوید «الاطفال منکم»، یعنی اینها باید در این سه وقت استیذان کنند و در غیر این سه وقت استیذان لازم نیست. پس بحث از پوشش زنان در برابر مطلق صبی ممیز مطرح نیست. آیه «لایبیدن زینتهن الا لبعولتهن... أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء» مربوط به غیر محارم است؛ چون مواردی را که ذکر کرده، بحث تستر در برابر غیر محرم است و بعد در ادامه مواردی را استثنا کرده است. بنابراین بین این دو آیه اساساً منافاتی نیست، چون موضوع آنها کاملاً متفاوت است.

اشکال به وجه جمع پنجم

بعد یک اشکالی را در ذیل این وجه مطرح کرده‌اند و به آن پاسخ داده‌اند؛ اشکال این است که اینجا اگر بگوییم آیه «لایبیدن زینتهن» مربوط به غیر محارم است و زن باید خودش را در برابر صبی ممیز بیوشاند به شرط آنکه محرم نباشد، ولی در این آیه بحث محارم است؛ آنگاه این با دو صحیحه بزنتی منافات دارد. یعنی این راه جمع با صحیحه بزنتی همخوانی ندارد. چون براساس هر دو صحیحه بزنتی به طور کلی زن در برابر غیر بالغ لازم نیست که تستر داشته باشد و این شامل غیر محارم هم می‌شود؛ آن وقت چطور شما در مقام جمع بین آن دو آیه، آیه «لایبیدن زینتهن» را اختصاص به غیر محارم می‌دهید و می‌گویید موضوع آن صبی ممیزی است که محرم نیست، و آیه استیذان را بر اطفال محرم حمل می‌کنید. اگر این راه را ارائه می‌کنید، پس با صحیحه بزنتی چه کار می‌کنید؟ یعنی این وجه جمع با صحیحه بزنتی نمی‌سازد. چون براساس این وجه جمع، پوشش در برابر صبی ممیز واجب است اگر محرم نباشد، یعنی زن باید خودش را در برابر طفل ممیز غیر محرم بیوشاند؛ در حالی که طبق صحیحه بزنتی پوشش زن در برابر صبی غیر بالغ - هر چند ممیز باشد - واجب نیست.

پاسخ

ایشان در پاسخ به این اشکال می‌فرماید: آیه در واقع ناظر به ابداء زینت‌های مخفی و پنهان است. زینت‌های مخفی و پنهان

شامل موی سر می شود، شامل گردن و سینه می شود، شامل ساق می شود؛ اینها زینت‌هایی هستند که پنهان هستند و آیه دستور به پوشاندن آنها داده و دستور داده که اینها آشکار نشوند. اما صحیحه بزنتی تنها شعر الرأس را مستثنی کرده است. صحیحه بزنتی می گوید زن در برابر طفل غیربالغ می تواند موی سرش را آشکار کند. پس اگر صحیحه بزنتی را حمل بر خصوص مو کنیم، معنایش این است که زن در برابر طفلی که بالغ نشده - هر چند محرم هم نباشد - می تواند موی سرش را آشکار کند. این ابداء نسبت به موی سر اشکالی ندارد. اما سایر مواضع و جاهایی که به عنوان زینت پنهان محسوب می شوند، مثل ساق پا، گردن، سینه، بازوان، اینها کماکان مشمول آیه «لایبیدین زینتهن» قرار می گیرند؛ یعنی زن در برابر صبی ممیز اگر محرم نباشد حق ندارد گردن، بازوان و ساق پا و امثال اینها را آشکار کند و در معرض دید آنها قرار دهد.

بررسی وجه جمع پنجم

به نظر ما این وجه جمع هم محل اشکال است. در ادامه آیه استیذان، آیه دیگری آمده که این چنین فرموده: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا»، می گوید اگر اطفال شما به بلوغ رسیدند، باید استیذان کنند. همانطور که در جلسه گذشته بیان شد، این محل اشکال است؛ چون در غیر این اوقات ثلاثه، اینکه بگوییم امر به استیذان شده برای اطفال محرم شما، این قابل پذیرش نیست. این چیزی است که نه دلیلی بر آن داریم و نه سیره بر آن قائم است. یعنی در غیر اوقات ثلاثه، اطفال بالغ حتماً باید استیذان کنند؟ چون بحث استیذان از پدر و مادر در اوقات ثلاثه است؛ می گوید اطفال غیربالغ در آن سه وقت استیذان کنند و در غیر آن سه وقت لازم نیست. بعد که می گوید «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا»، این هم ناظر به غیر این اوقات ثلاثه است؛ چون در آن اوقات ثلاثه اطفال خودتان باید استیذان کنند؛ در غیر آن اوقات، اطفالی که بالغ نشده‌اند لازم نیست استیذان کنند. آیا ما می توانیم ملتزم شویم که آیه می گوید اطفال بالغ شما همواره - چه در آن اوقات و چه در غیر آن اوقات - باید استیذان کنند؟ اگر محرم باشند پس چرا باید استیذان کنند؟ در غیر آن اوقات که زندگی عادی در خانه جریان دارد، چرا استیذان کنند؟

این اشکالی است که به نظر می رسد نسبت به این وجه جمع وجود دارد و همانطور که قبلاً هم گفتیم، حمل آیه استیذان بر خصوص محارم هیچ وجهی ندارد. اساساً این یک بیان متعارفی است که مواظب بچه‌ها باشید. وقتی به مؤمنان و مسلمانان این چنین دستور داده می شود که بچه‌های شما باید اجازه بگیرند، به چه دلیل این را محصور در محارم کنیم؟ یعنی اطفال خودتان، چون ظاهر بیان ایشان این است که می گوید در آیه استیذان موضوع حکم، اطفال خود والدین است. اگر بگوییم اطفال خود والدین است، مشکل بیشتر است؛ چون برخی از اطفال، بچه خود این پدر و مادر نیستند ولی محرم هستند مثل برادرزاده و خواهرزاده، یعنی اینها هم به غیر محارم ملحق می شوند؟ بعید است که ما بگوییم الاطفال منکم یعنی بچه‌های خودتان؛ در حالی که تعبیر ایشان این است که موضوع آیه استیذان اطفال خود والدین است. پس باید بگوییم منظور اطفال محرم است؛ اگر شما اطفال محرم را مشمول «منکم» می دانید، بسیاری از مواقع است که بچه‌هایی هستند که جزء محارم محسوب نمی شوند ولی در منازل اینها حضور پیدا می کنند. اتفاقاً «طوافون علیکم» شاید بیشتر در مورد بچه‌های همسایه و دوستان صادق باشد.

لذا این راه جمع به نظر ما مقبول نیست و آنچه که ایشان در مورد رفع تنافی بین صحیحه بزنتی و این آیه فرموده، به اینکه صحیحه بزنتی را حمل کنیم بر شعر و مو، و بگوییم آیه «لایبیدین زینتهن الا لبعولتهن» فقط نسبت به مو تخصیص خورده و الا

عدم جواز ابداء زینت نسبت به سایر مواضع و آن محل‌هایی که به عنوان زینت پنهان محسوب می‌شوند، به قوت خودش باقی است. این هم به نظر می‌رسد که چندان قابل قبول نباشد. در روایت «يُؤْخَذُ الْعُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ وَ لَا تُغَطِّي الْمَرْأَةُ شَعْرَهَا مِنْهُ حَتَّى يَحْتَلِمَ». درست است که تعبیر «لا تغطي المرأة شعرها» دارد ولی عمدتاً چون در مورد زنان و پوشش زنان اینها از هم تفکیک نمی‌شود؛ یعنی یک موضعی است که عادتاً اینها را نمی‌پوشانند. در زنان اهل بادیه و اهل ذمه خواهیم گفت که حدّ جواز نظر به زنان اهل ذمه و اهل بادیه چقدر است. آنجا یک بحثی است که آن مقداری که به طور متعارف - آن هم متعارف در زمان صدور این روایات و در گذشته، نه متعارف امروز که مساوق با برهنگی شده - نمی‌پوشانند اشکالی ندارد. آن مقداری که نمی‌پوشانند سر و صورت و گردن، دست‌ها تا حدی، پا تا حدی، اینها متعارف بوده است. اگر بحث از این است که می‌گوید زن در برابر اطفال تا زمان بلوغ می‌تواند سرش را نپوشاند و کشف الرأس یا کشف الشعر داشته باشد، اینجا در واقع خصوص کشف الرأس مطرح نیست بلکه در واقع می‌خواهد بگوید زن آن مقداری که لباس متعارف می‌پوشد در منزل، نسبت به مازاد بر آن تکلیف ندارد برای پوشش؛ چون محل‌هایی به طور کلی حتی در مورد محارم هم گفتیم محل اشکال است. حالا در مورد صبی هم اگر ممیز باشد، آن مقداری که از عموم این منع خارج می‌شود - به دلایلی که گفته شد - آن مقدار متعارف است؛ مثل سر، دست‌ها، گردن، یک حدی هم پا؛ این مقدار منظور است. لذا بعید است که منظور امام (ع) این باشد که خصوص سر آشکار باشد اما آن مواضع و زینت‌های پنهان مثل بازوبند و آنجایی که محل بستن خلخال است، باید پوشیده باشد و بگوید آنها را آشکار نکند. لذا اختصاص صحیح بزنطی به خصوص موی سر و اینکه بگوییم آیه «لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» سایر مواضع را دربرمی‌گیرد، به نظر می‌رسد صحیح نباشد.

حق در مسأله

فتحصل مما ذکرنا کله که در بین این پنج وجهی که گفته شد، اکثر این وجوه محل اشکال است. اما وجهی که شاید اشکال و خدشه آن کمتر از سایر وجوه باشد، وجه سوم بود؛ یعنی حمل آیه ابداء الزینة بر ثوران شهوت، و حمل آیه استیزان بر فرض عدم ثوران شهوت. یعنی کأن آیه ابداء زینت می‌گوید «لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن... أو الطفل الذین لم یظہروا علی عورات النساء»؛ ما عرض کردیم این «لم یظہروا علی عورات النساء» چنانچه حمل بر ثوران شهوت هم شود، خیلی مستبعد نیست. چون لم یظہروا به همان معنای لم یطلعوا است، نه به معنای لم یقدروا؛ اگر آن باشد، می‌شود همان بلوغ. لم یطلعوا علی عورات النساء، اطلاع بر عورات النساء پیدا نکرده باشند. اطلاع و آگاهی بر عورات النساء به این معناست که تفاوت‌های بین زن و مرد را درک کند، نه در حد تفاوت در تسمیه و حقیقت بلکه به معنای اطلاع، آن هم به گونه‌ای است که اثاره الشهوة کند. «لم یظہروا علی عورات النساء» به معنای لم یعطلوا علی عورات النساء و لم یطلعوا یعنی آگاهی بر آنچه که عورات النساء را متفاوت نزد او جلوه می‌شود و این یک حس خاصی پیدا می‌کند و تحریکاتی در او صورت می‌گیرد، ولو اینکه این تحریکات ممکن است هیچ اثر خارجی هم نداشته باشد یا اساساً امکانش به یک معنا برای او فراهم نباشد. بالاخره شهوت و لذت چیزی است که در اثر دیدن و مشاهده اینها برای او ممکن است حاصل شود. بر این اساس، آیه «لا یبدین زینتهن الا ... الطفل الذین لم یظہروا علی عورات النساء» می‌خواهد بگوید که زنان نباید زینت‌های پنهان خودشان را آشکار کنند؛ مگر اطفالی که به حد شهوت و اثاره الشهوة نرسیده‌اند. یعنی اطفالی که به این حد رسیده‌اند، پوشش در برابر آنها لازم است.

طبق این وجه، آیه استیذان کأن می خواهد بگوید آن اطفالی که لم یبلغوا الحلم، یعنی اطفالی که به حد اثاره الشهوة نرسیده‌اند، آنها باید در این اوقات ثلاثه اجازه بگیرند. لذا تفصیل در حقیقت بین موارد ثوران شهوت و موارد عدم ثوران شهوت است. آن وقت لم یطلعوا علی عورات النساء را به همین معنا گرفتیم؛ یعنی ثوران شهوت برای آنها حاصل نشده است.

بنابراین تنافی بین این دو آیه با این بیان از بین می‌رود و نتیجه این می‌شود که زن در برابر اطفالی که به حد ثوران شهوت رسیده‌اند باید خودش را بیوشاند ولی آنهایی که به حد ثوران شهوت نرسیده‌اند، پوشاندن در برابر آنها لازم نیست. لذا صبی غیرمتمیز جزء مستثنی قرار می‌گیرد؛ صبی متمیزی که به حد ثوران شهوت نرسیده، این هم جزء مستثنی قرار می‌گیرد. اما صبی متمیزی که به حد ثوران شهوت رسیده، جزء مستثنی منه است. از این طرف، در آیه استیذان هم وقتی امر به استیذان اطفال می‌کند در اوقات ثلاثه، اولاً گفتیم اختصاص به محارم ندارد و همه اطفال را شامل می‌شود، آن هم اطفالی که به حد ثوران شهوت نرسیده‌اند؛ اینها باید اجازه بگیرند ولی غیر این اوقات ثلاثه لازم نیست اذن بگیرند. آن وقت آیه‌ای که می‌گوید «و إذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأذنوا»، بلغ الحلم می‌شود آن اطفالی که به حد اثاره الشهوة رسیده‌اند، اینها باید اذن بگیرند. یعنی ملاک اثاره و عدم اثاره الشهوة فاصل بین این دو حکم می‌شود و تنافی بین این دو آیه برطرف می‌شود. آن‌گاه در مورد نسبت این وجه جمع با آنچه که در صحیح بزنطی وارد شده، می‌توانیم بگوییم که زنان در برابر اطفالی که به حد اثاره الشهوة نرسیده‌اند پوشش لازم ندارند؛ اما اگر طفل به حد اثاره الشهوة رسید، آنگاه پوشش لازم می‌شود.

سؤال:

استاد: این تعبیر در روایات زیاد است، هم در مورد دختران و هم در مورد پسران.

این اثاره الشهوة یا عدم اثاره الشهوة ممکن است بگوییم مصداقش مراهق است. اینجا به خصوص بالاخره با این قرائتی که گفتیم، آنچه که در این آیه ذکر شده، این معنا از آن فهمیده می‌شود. ... این را در واقع برای جمع بین این آیه و آن آیه می‌گوییم. ... آن وجوهی که گفته شد، مؤونه‌اش بیش از اینها بود. ... الاطفال منكم، شما می‌گویید این خصوص بچه‌های شما یا محارم؟ ... اگر خصوص محارم است، پس آن آیه بعد را چه کار می‌کنید؟ ... «و اذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأذنوا» ... یعنی منظور این است که بچه‌های شما در هر حال باید اجازه بگیرند؟ ... اتاق خواب یا استراحت، اگر برای والدین به این دلیل که ممکن است اینها در حالاتی باشند که خیلی مناسب نباشد، این برای آنها هم همین مشکل هست. ... در آیه هم «ملکت ایمانهم»، هم اطفال ... اطفال محارم و غیرمحارم بچه‌اند؛ بچه‌هایی هستند که نسبت محرمیت ندارند ولی به حسب طبیعی در خانه با اینها مشغول بازی هستند؛ بحث مردان بزرگ نیست ... بچه‌هایتان شامل بچه‌های غیرمحارم هم می‌شود. ... اینجا در مقام بیان این باشد که بزرگ‌ترها و بالغان همیشه اجازه بگیرند؟ ... مراهق و نزدیک مراهق می‌شود. ... علت اینکه در آیه استیذان می‌گوید بچه‌ها در این سه وقت اجازه بگیرند، این است که در مظنه بعضی از رفتارها و کارهاست. آیا اینجا غرض این است که اینها مشاهده بعضی اعمال را نداشته باشند یا آن پوشیدگی که لازم است را ندارند. چون فرض این است که فقط محارم نیستند ... پوشیدگی که باید در برابر آنها داشته باشد، ... چرا شما بین مسأله تستر و این مسأله می‌خواهید تفکیک کنید؟ ... این یک امر عرفی است؛ می‌گوید در این سه وقت اجازه بگیرند که اینطور وارد نشوید. ... عرفاً وقتی می‌گوید در این اوقات استیذان کنید، این معنایش چیست؟ در این اوقات استیذان داشته باشید یعنی در این اوقاتی که وقت راحتی است، یعنی

پوشش‌ها کمتر است. بنابراین لزوماً مسأله تستر در اینجا مطرح است ... شما نمی‌توانید مسأله تستر را از این جدا کنید ... آن چیزی که محتمل‌ترین فرض در این ایام است، عدم تستر است. ممکن است آن اعمال هم باشد و ممکن است نباشد. بله، ممکن است ... اما قاعدتاً از نظر عرفی در این ایام و اوقات ثلاثه، آن تستری که باید داشته باشد زن، ندارد؛ می‌گوید وقتی که اطفال شما وارد می‌شوند باید اجازه بگیرند که این امکان تستر ... پس شما نمی‌توانید مسأله تستر را از مسأله استیذان جدا کنید و بگویید چه ربطی به تستر دارد. ... اینکه بگوییم تستر عورت مقصود است، این خیلی بعید است. ... بعضی احتمالات اساساً ضعیف است و غیرمعقول و غیرعقلایی است. ... من می‌خواهم عرض کنم که اتفاقاً تفصیلی که آقایان داده‌اند در مقام فتوا یا احتیاط، این تفصیل هم بعید نیست که ناظر به همین جمعی باشد که ما عرض کردیم. ... ممکن است شما بگویید این جمع تبرعی است، لا شاهد له، ولی چه بسا بتوان گفت شاهد دارد.

«والحمد لله رب العالمین»